

واکاوی دلایل رواج کنش‌های ریاکارانه در جامعه

علی فیض‌اللهی*

خلیل کمربگی**

چکیده

هدف این مطالعه شناسایی دلایل رواج کنش‌های ریاکارانه در جامعه است و قصد دارد تا با استفاده از پارادایم روش‌شناختی مطالعات کیفی و با بهره‌گیری از استراتژی استفاده‌ی در قالب روش تحقیق نظریه‌ی زمینه‌ای، تحلیلی جامعه‌شناسانه از آن ارائه دهد. جامعه آماری تحقیق، ترکیبی از متخصصان امور فرهنگی و دینی، استادان دانشگاه، فعالان فرهنگی - اجتماعی و اصطلاحاً مطلعین کلیدی دارای اطلاعات کافی در مورد پدیده‌ی مورد مطالعه و دارای شناخت کافی از جامعه‌ی مورد پژوهش در استان ایلام هستند که با استفاده از ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری، نمونه‌ای انتخاب شده و با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌یافته تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری ادامه یافته‌است. بر اساس استراتژی پژوهش با استفاده از شیوه‌های کدگذاری باز، محوری و گزینشی از تعداد ۵۲۷ عبارت معنایی مستخرج از مصاحبه‌ها، تعداد ۱۸۵ مفهوم، ۸۵ زیر مقوله و ۳۳ مقوله‌ی اصلی استخراج گردیده است. نتایج حاکی از وجود انواعی از کنش‌های ریاکارانه در جامعه‌ی مورد مطالعه است و مقولات محوری تحقیق در یک مدل پارادایمی نشان داده شده‌است که حاکی از ساختاری شدن پدیده‌ی ریاکاری است. بر اساس مقوله‌ی هسته و نظریه‌ی تحقیق، ریاکاری محصول واکنش افراد به استانداردهای چندگانه در جامعه است.

* استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

a.feizolahy@ilam.ac.ir

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، kkomarbei@yaho.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: ریاکاری، کنش‌های ریاکارانه، ساختاری شدن، استاندارد چندگانه، نظریه‌ی زمینه‌ای.

۱. مقدمه و بیان مسئله

ریاکاری (hypocrisy) به عنوان یک کجروی رفتاری مجموعه‌ی متنوعی از رفتارها را شامل می‌شود که از رفتارهای عمدتاً بدخیم تا خوش‌خیم، همراه با فریب و ناراستی را دربر می‌گیرد. تعریف دقیق ریاکاری بسیار دشوار است زیرا ریاکار به گونه‌ای رفتار می‌کند که هرگز تصریح نمی‌کند که دقیقاً چه قصدی دارد. ریاکاری را می‌توان یکی از مهم‌ترین کنش‌های مصیبت‌بار کنونی در بین رهبران و شهروندان جوامع بشری دانست که هم خود را در قالب رفتارهای دوگانه‌ی سران کشورهای قدرتمند جهان در موضوعاتی هم‌چون: مبارزه با تروریسم، حقوق بشر و... نشان می‌دهد و هم در روابط بین‌فردی شهروندان با هم‌دیگر نمودهای فراوانی از آن قابل ذکر است. از منظر تاریخی نیز مستشرقین، نویسندگان خارجی و داخلی از دیر باز به وجود برخی کج رفتارها در خلیفات ایرانیان توجه داشته‌اند و به بساخت رفتار ایرانیان پرداخته‌اند. مثلاً لینیو در کتاب چهره فرار ایران، ایرانیان را مردمانی خونگرم و خوش‌برخورد و دارای پنهانکاری همراه با ریاکاری دانسته است (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۳۱). پولاک (۱۳۶۸) در کتاب ایران و ایرانیان می‌نویسد که «هنگامی که در سال ۱۸۵۱ به ایران آمدم، سخت مفتون جامعه‌ی ایرانی شدم و ... رفتار مؤدبانه‌ی مردم، مرا بسیار تحت تأثیر قرار داد. ... بعدها دریافتم نیرنگ، دروغ و فریب در پس این رفتارهای انعطاف‌پذیر پنهان است» (به نقل از فراستخواه، ۱۳۹۵: ۳۹) و به اصطلاح ریاکاری و پنهانکاری رواج دارد. دو گوینو در سفرنامه خویش از ویژگی‌های رفتاری ایرانیان نظیر ریاکاری، وقت‌ناشناسی و تملق یاد کرده است (همان). جمال‌زاده (۱۳۴۳) دروغ، پنهانکاری، دورویی، تملق، فقدان روحیه تحقیق و پیشرفت را از خلیفات ناپسند ایرانیان می‌داند. بازرگان (۱۳۴۳)؛ به نقل از فراستخواه، ۱۳۹۵: ۳۴) شیوع تملق، دروغ، دورویی و دم‌غنیمت‌گرایی؛ نراقی (۱۳۸۰) رفتارهای ظاهر‌سازانه و ریاکارانه؛ غفاری فرد (۱۳۹۲) منش ریاکارانه؛ بار (Bar) (۲۰۰۴) ریاکاری و دورویی؛ بی‌من (Beeman) (۱۳۸۶) وجود خرده فرهنگ زرنگی یا پنهانکاری زیرکانه را از خلیفات ایرانیان بر شمرده‌اند. علاوه بر موارد مذکور، از نتایج پیمایش‌های ملی طی دو دهه‌ی اخیر می‌توان موارد زیر را بر شمرد: در

پیمایش سنجش میزان دینداری ایرانیان (۱۳۸۹) حدود ۷۲/۵ درصد از پاسخگویان میزان دورویی و تظاهر مردم را در حد متوسط تا خیلی زیاد (طالبان، ۱۳۸۹: ۱۸۵) ارزیابی نموده‌اند. در پیمایش آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۴) میزان رواج صفات منفی در کل کشور بر اساس محاسبه میانگین از ۵، برای ریاکاری ۳/۴۳ بوده است و نتایج مربوط به استان ایلام نشان می‌دهند که ۵۳/۷ درصد پاسخگویان تظاهر و دورویی را از ویژگی‌های اخلاقی مردم دانسته‌اند. یافته‌های موج اول پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۸۱) نشان می‌دهند که ۶۵/۷ درصد زنان و ۶۳/۹ درصد مردان پاسخگو میزان رواج دورویی و تظاهر در بین مردم را در حد زیاد دانسته‌اند. بر اساس یافته‌های موج دوم پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۸۲) نیز ۶۸/۲ درصد از پاسخگویان دورویی و تظاهر را از خلیات رایج در بین مردم دانسته‌اند و ۸۷/۴ درصد نیز معتقد بوده‌اند که صفات مزبور در آینده بیش‌تر خواهند شد. همچنین، یافته‌های موج سوم پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که ۶۴/۸ درصد پاسخگویان میزان دورویی و تظاهر را در بین مردم زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند.

چنانکه مشخص است اکنون نیز همچنان یکی از مسائل اجتماعی مهم وجود پدیده‌ی دورویی و ریاکاری است که با وجود اینکه عمدتاً آن را رفتاری فردی و یا بین‌فردی می‌دانند اما اجرای این نمایش رفتاری در عرصه‌ی عمومی و استمرار آن در خلال دوران‌های زندگی نسل‌های مختلف و حضور متمادی آن در تجربه‌ی زیسته‌ی بخش قابل توجهی از اعضای جامعه دلالت بر اهمیت آن دارد و از همه مهم‌تر سرایت آن به سطوح میانه و حتی کلان یعنی به گروه‌ها، نهادها و سازمانها در سطوح میانی و کلان جامعه است. علاوه بر این، ابتدای بنیاد اصلی کنشهای ریاکارانه بر دو گانگی یا اصطلاحاً تقابل‌های دوتایی و دوگانه‌های گفتار - کردار، فریب - صدق، کنشهای متضارانه - راست‌منشانه، ایمان - میل و نیز خودفریبی آگاهانه - خودشناسی آگاهانه و ...، ریاکاری را به پدیده‌ای اعتمادسوز و مخرب در روابط اجتماعی مبدل می‌سازد. در این دوره‌ی موسوم به عصر مدرن شدن و فراگیر شدن روند غلبه‌ی فردگرایی و آزادی شخصی، نیز آشفتگی‌های رفتاری و کنشهای ناهنجارانه‌ای از جمله پدیده‌ی ریاکاری را نمی‌توان نادیده انگاشت. از سویی، وجود خلأ پژوهشی در باره‌ی موضوع ریاکاری در حوزه‌ی جامعه‌شناسی ایران و نیز تصمیم اتخاذ شده مبتنی بر نتایج به دست آمده از تحقیق آسیب‌شناسی فرهنگی استان ایلام توسط شورای فرهنگ عمومی، دلیل موجهی برای انجام

مطالعه‌ای کیفی جهت فهم پدیده‌ی ریاکاری و دو رویی است. هدف غایی مطالعه‌ی حاضر بازسازی معنایی کنش‌های ریاکارانه و شناسایی دلایل آن در بین مردم از نگاه خبرگان منتخب است و لذا مهمترین پرسش‌های تحقیق عبارتند از این‌که مهم‌ترین دلایل (شرایط علی، زمینه‌ای و دخیل در) ریاکاری کدامند؟ راهبردهای ریاکاران کدامند؟ و ریاکاری چه پیامدهایی را به همراه دارد؟

۲. ملاحظات نظری

در مطالعه‌ی حاضر، در بیشتر نظریه‌هایی که مطرح می‌شوند، ریاکاری به عنوان موضوع اصلی مورد بحث نبوده‌است ولیکن می‌تواند برای پرتوافکنی بر پدیده‌های رفتاری کجروانه از قبیل موضوع حاضر و به عنوان ابزاری برای ایجاد حساسیت نظری نسبت به چنین پدیده‌ای مورد توجه قرار گیرند. بر این اساس نظریه‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند عمدتاً می‌توانند به عنوان لنز نظری برای ایجاد حساسیت نظری و کمک به تحلیل داده‌های کیفی به تحقیق کمک کنند.

دورکیم، محصول گذار جامعه از نوعی از همبستگی به نوعی دیگر را اضمحلال انتظام اجتماعی می‌داند که پیامد آن، واداشتن افراد به توسل به ابزارهای نامتعارف برای دستیابی به خواسته‌های خویش است. وی این فرایند قاعده‌زداینده را با مفهوم «آنومی» تبیین می‌کرد که به واسطه‌ی ضعف، تعدد و کم یا بی‌اعتباری هنجارها و در نتیجه، تعارض و تخلف - و در این جا ریاکاری- را به ارمغان می‌آورد و افراد ممکن است به ابزارهای نا متعارفی برای نائل آمدن به خواسته‌های آنومیک خویش متوسل گردند. بنا بر این، جوامع مقررات‌زدایی شده ممکن است سطوح بالاتری از ناهنجاری را تا زمان برقراری مجدد نظم تجربه نمایند (وارهام (Warham)، ۲۰۰۵؛ رویس، ۲۰۱۵).

پارسونز نیز تضعیف اشکال سنتی همبستگی اجتماع را محصول تغییرات سریع اجتماعی می‌داند که به «آنومی» منجر می‌شود. به عقیده‌ی وی تغییر سریع اجتماعی همراه با فرایند عقلانی‌سازی شدید امور می‌تواند منجر به فشارهای درونی و تضادهایی در درون نظام‌های اجتماعی شوند که شرایط آنومیک را در پی خواهد داشت که با فقدان الگوهای نهادی پایدار ثبات‌بخش موقعیت شخص و کژ کارکردی نظام اجتماعی همراه است.

به باور مرتن، فشار برای رفتار کجروانه ناشی از «گسست بین آرزوهای تجویز شده به لحاظ فرهنگی و شیوه‌های ساخت یافته به لحاظ اجتماعی برای دستیابی به این آرزوهاست» (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۸۸). به عبارتی در هنگام فقدان تعادل بین ساختار اجتماعی و فرهنگ، این ناکارایی هنجارهای نظم‌بخش ابزارهاست که آنومی را موجب گشته و مسئله‌ساز می‌گردد. واکنش‌های انحرافی افراد به عدم تعادل ساختی، طیفی از کنشهای انحرافی را در بر می‌گیرد که نوآوری یکی از آنهاست و کنش ریاکارانه را می‌توان ذیل آن مورد بررسی قرار داد.

مسئله و روزنفلد در نظریه آنومی نهادی بر آن‌اند که زمانی که یک نهاد بر سایر نهادهای اجتماعی مسلط می‌شود، تعادل نهادی قدرت نهادهای مزبور به هم می‌خورد و در نتیجه، شرایط بی‌هنجاری در سطح نهادها یا آنومی نهادی رخ می‌دهد. به نظر آنان شکل‌بندی‌های متمایز تحلیلی ای امکان‌پذیرند که نشان می‌دهند که تفاوت در توازن نهادی قدرت، انواع مختلف جرم را پیش‌بینی می‌کند» (مسئله و روزنفلد، ۲۰۰۴: ۹۵). متناسب با نهادی که نقش اصلی را در تعادل نهادی قدرت دارد، ارزشهای متناظر با آن در کانون نقش‌آفرینی قرار گرفته و از ارزشهای نهادهای دیگر ارزش‌زدایی شده و رفتار متناظر با آن وضعیت نهادی اهمیت می‌یابد.

از نظر نهادگرایان، محیط نهادی هم بر رفتار مردم نفوذ دارد و هم سرچشمه‌ی باورها و ارزش‌های اجتماعی است. ترجیحات ارزشی کنشگران اجتماعی نیز تحت تأثیر این محیط نهادی قرار دارد و چارچوبی که گزینشهای افراد را شکل می‌دهد، ریشه در وضعیت نهادهای آن جامعه دارد. «وابستگی به مسیر» یکی از رویکردهای تحلیل نهادی است که به نظر نورث «برای توصیف اثر قدرتمند گذشته بر حال و آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد» (نورث، ۱۹۹۰: ۱۱۵). مفروضه این مفهوم این است که ویژگیهای رفتاری مردم یک جامعه ریشه در سرگذشت نهادهای آن دارد و اثر هر نیرویی به محیط نهادی‌ای بستگی دارد که آن نیرو در آن اعمال می‌شود و غالباً به شرایطی بستگی دارد که ریشه در میراث گذشته آن دارد. لذا تحولات جامعه را می‌توان از طریق بررسی تکوین تاریخی نهادها و تحولات آنها توضیح داد.

رویکرد انتخاب عقلانی، جامعه را مجموعه‌ای از افرادی محسوب می‌کند که در فرآیندی آگاهانه و آزادانه به شکلی هدفمند در پی بیشینه‌سازی سود خویش هستند و در سر دوراهی‌های گزینشی «کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر استفاده را

نصیبش می‌سازد» (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲). لذا کنشگرانی که نظریه‌پردازان این دیدگاه متصور می‌شوند؛ افراد آگاه و محاسبه‌گری هستند که گزینه‌های عمل خویش را بر اساس یک منطق خاص مبتنی بر عقلانیت برمی‌گزینند. در نظریه‌ی بازی کلاسیک «چهار عنصر اساسی وجود دارد: بازیگران، استراتژیها، نتایج و بازده‌ها» (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۷: ۳۲). بازده‌ها نشان می‌دهند که برای هر بازیگر از طریق هر یک از نتایج انتخاب شده، چه حاصل می‌شود. بازیهای متعدد حامل ساختارهای بازده متعدّدند و برای شناخت رفتار عمومی هر گروه و قومی، پیدا کردن قواعد بازی یا ساختار بازده اهمیت اساسی دارد. یعنی پیدا کردن یک مجموعه‌ی منسجم که بتواند رفتار آنها را در صورت غالب آن توضیح دهد و پیش‌بینی کند (همان). همراستای با نظریه‌های انتخاب عقلانی، نظریه‌های مبادله بر این فرض استوارند که مردم تعامل می‌کنند و منابعی (پول، عواطف و غیره) را که به‌همراه دارند، به شیوه‌هایی که منافع را به حداکثر رسانده و هزینه‌ها را برایشان کاهش دهد، در تعاملات داد و ستد می‌کنند (استولی، ۲۰۰۵؛ ترنر، ۱۳۹۷).

بکر (Becker) جهت برقراری پیوند بین اقتصاد جرم و مجازات، نظریه‌ی مدل ساده بزه خردمندانه (simple model of rational crime) را برای تبیین رفتارهای فریبکارانه مطرح نموده است. مطابق با این نظریه، افراد در هر موقعیتی که باشند، پیش از ارتکاب هر بزه یا فریبی ابتدا بر اساس نوعی تحلیل عقلانی، میزان سود و زیانی که از ارتکاب یک بزه فریبکارانه نصیب آنان می‌شود، را محاسبه نموده و هر گاه که سود یک عمل بزهکارانه از زیان آن فرد بیشتر باشد، به انجام آن مبادرت می‌کند. لذا از این منظر، احتمال انجام رفتار بزهکارانه از جمله ریاکاری تحت تأثیر محاسبه‌ی سود یا زیان حاصل از ارتکاب آن رفتار است. روانشناس اجتماعی آریلی (Ariely) نیز بر این باور است که در پس کنش‌های ریاکارانه‌ی انسانها، رفتاری خردمندانه مبتنی بر محاسبه‌گری عقلانی هزینه-فایده وجود ندارد بلکه «دو نیرو همزمان مقدار فریب‌کاری ما را تعیین می‌کنند: یکی میزان سودی که از فریب‌کاری نصیبمان می‌شود و دیگری تصویری است که از خودمان به عنوان یک انسان اخلاقی داریم» (بوسلیکی، ۱۳۹۸: ۱۲۹). همواره محاسبه هزینه-فایده، افراد را به فریب‌کاری حداکثری فرا می‌خواند اما افراد به‌اندازه‌ای فریب‌کاری می‌کنند که تصویر اخلاقی که از خود دارند، زیاد مخدوش نشود. عامل حفظ تصویر اخلاقی فرد بزهکار،

«قصه‌بافی» است. قصه‌بافی دو کارکرد مهم دارد: اول توجیه کردن کنش یا سترون‌سازی و دوم رها شدن از درگیری با وجدان.

۳. پیشینه تجربی تحقیق

اشگرف و امیری (۱۳۹۷) دریافتند که عوامل فردی تأثیر بیشتری در بروز رفتارهای ریاکارانه در سازمان دارد. معیدفر و صفری (۱۳۹۶) از طریق تحلیل نشانه‌شناسی پنج فیلم با درون‌مایه اجتماعی، دریافتند که ریاکاری در سطح افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی قابل تشخیص است. علل و انگیزه‌های کنش‌های ریاکارانه دو عامل منفعت شخصی و فشار موقعیتی همراه با عواملی چون ویژگی‌های پایدار شخصیتی، عادت‌ها و عوامل روان‌شناختی است. هادوی‌نژاد و بهارلویی (۱۳۹۴) دریافتند که سه متغیر جو سکوت، ارتباطات بین فردی سیاسی و ضعف قانونی نظارتی، پیشایندهای رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان‌اند و دو متغیر سکوت سازمانی و زوال اعتماد بین فردی پیامدهای آن محسوب می‌شوند. آقامحسینی (۱۳۹۴) ریاکاری را برآمده از نبود امنیت اجتماعی دانسته و بر آن است که به دلیل جنگ‌ها و عدم اطمینان در تاریخ ایران، ایرانیان از ریا به عنوان یک ابزار دفاعی بهره گرفته‌اند.

از نظر جوئرینگ (Jauernig) و همکاران (۲۰۲۱) مفهوم ریاکاری، محصول اعمال اخلاق سنتی بر نهادهای جامعه مدرن است. با فرض اینکه اخلاق در جامعه مدرن به جای افراد در نهادها قرار دارد، اخلاق سنتی حساسیت فرد نسبت به رفتارهای غیر اخلاقی را می‌پروراند که ممکن است بنیاد نهادی مدرن تئوریزه شده توسط اخلاق نهادی را تضعیف کند.

یاغی (Yaghi) و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه ارزیابی ریاکاری سازمانی در دانشگاه‌ها دریافتند که ۸۱ درصد پاسخگویان در سال گذشته بیش از یک مورد واقعه‌ی ریاکارانه را تجربه کرده‌اند. چهار ویژگی ریاکارانه‌ی عدم صداقت، حمله به دیگران، بی‌اعتنایی به رفاه سازمانی و شخصیت غیر صادقانه شناسایی شد.

کیلیچ اوغلو (Kılıçoğlu) و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ی پیامدهای ریاکاری سازمانی در مدارس ترکیه دریافتند که بدلیل روش متمرکز سیاست‌گذاری در وزارت‌خانه و محدودبودن اختیار مدیران مدارس، پیامدهای ریاکاری در سطح فردی شامل عدم اعتماد بین معلمان، مدیریت مدرسه و تأثیر منفی بر انگیزه‌ها و رضایت شغلی معلمان و در سطح

سازمانی مشتمل بر محیط پرتنش، گسترش شایعات، دسته‌بندی کارکنان، افت تحصیلی و توسعه فرهنگ ناسالم در مدرسه بوده است.

دانگ (Dong) و همکاران (۲۰۱۹) در سه مطالعه به بررسی روابط تجربی بین برتری اخلاقی، هویت اخلاقی و ریاکاری اخلاقی پرداختند. به نظر آنان مردم اغلب خود را اخلاقی‌تر از آن چیزی که هستند، نشان می‌دهند (یعنی ریاکاری اخلاقی). آنان دریافتند که در هنگام آزمون احساس برتری اخلاقی، افرادی که به شدت با ارزشهای اخلاقی هم‌ذات‌پنداری می‌کنند کمتر بطور مستقیم وظیفه مطلوبی را به خود اختصاص می‌دهند اما هنگام تصادفی کردن به طور خصوصی قلبی می‌کنند.

افرون (Effron) و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی نتایج سه مطالعه تجربی و یک پیمایش میدانی دریافتند که تفاوت‌های فرهنگی در واکنشها به قصور در عمل به گفته‌های خویش، متأثر از زمینه‌ی فرهنگی است که در فرهنگ مشوق وابستگی متقابل (آسیا و آمریکای لاتین) آن را دیگرخواهانه و سخاوتمندانه و در فرهنگ مشوق استقلال (آمریکای شمالی و اروپای غربی) همان کنش را خودخواهانه و ریاکارانه تلقی می‌کنند.

چو (Cho) و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که فشارهای اجتماعی و نهادی متناقض، مدیران سازمان‌ها را به ریاکاری، چهره‌پردازی و پنهان کاری وا می‌دارند. همچنین نشان می‌دهند که چگونه نظام اقتصادی غالب و خواسته‌های متضاد ذینفعان، ریاکاری سازمانی را گسترش می‌دهند.

علاوامله (Alawamleh) (۲۰۱۳) نشان داد که مهمترین دلایل ریاکاری عبارتند از: نزدیک‌تر شدن به رؤسا و مقامات برای به دست آوردن مزایای مالی، تظاهر به نفوذ داشتن در مقابل دیگران، روابط شخصی، منطقه‌ای و خویشاوندی.

۴. روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات کیفی است و براساس روش نظریه زمینه‌ای (grounded theory) انجام گرفته است که در آن، معمولاً داده‌های حاصل از جریان مطالعه به تکوین نظریه‌ای فرایندی و متناسب با پدیده‌ی مورد بررسی می‌انجامد که می‌تواند فرایند یا تعامل عوامل پدیدآورنده‌ی آن را در قالب یک مدل پارادایمی تبیین کند. روش

مورد استفاده در این تحقیق، رویه‌ی نظام‌مند منسوب به استراوس و کوربین است. در این مطالعه، داده‌ها از طریق مصاحبه با خبرگان منتخب گردآوری شده‌است.

در مطالعه‌ی حاضر به دلیل نوع مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند (purposive sampling) از متخصصان استفاده شده است. ابتدا حوزه‌های علمی و جغرافیایی دارای تعداد زیادی از خبرگان علمی، دینی و فرهنگی (استادان و روحانیون و کارشناسان برجسته فرهنگی) و نیز فعالان فرهنگی و اجتماعی، در درون اجتماع علمی و محلی به منظور تعیین خوشه‌هایی از افراد جامعه‌ی هدف، شناسایی شده، سپس مسیری برای نمونه‌گیری از آنها مشخص شد و چنانچه مشخص است با «روشی که پاسخ دهندگان بر اساس تخصصشان در مورد پدیده‌ی مورد مطالعه به صورت غیر تصادفی انتخاب می‌شوند» (باتاشرجی، ۲۰۱۲: ۶۹) تلفیق شده‌است. در نمونه‌گیری نظری نیز عمدتاً ناظر بر فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی است که محقق بطور همزمان به گردآوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد و «نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که به اشباع نظری رسیده باشیم و اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۹). لذا برای رسیدن به اشباع نظری با ۴۰ نفر از متخصصان و مطلعین کلیدی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به عمل آمده است. در این پژوهش از معیار مقبولیت برای اعتباریابی استفاده شد که خود مبتنی بر مقبولیت پژوهشگر، درگیری طولانی مدت و مداوم با داده‌ها و بازنگری ناظران بیرونی می‌باشد. قابلیت تصدیق از طریق حضور مستمر محققین در میدان تحقیق، انجام و استخراج دقیق مصاحبه‌ها، بهره‌گیری از روش ممیزی یا نظارت داوران و ناظران تحقیق محقق گشت و قابلیت انتقال از طریق نگارش یادداشت‌های فنی، مقایسه و مقارنه‌ی یافته‌ها با ادبیات تحقیق و آرای صاحب‌نظران مورد تصدیق قرار گرفت. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها، مراحل کدگذاری باز و محوری با استفاده از نرم افزار maxqda نسخه‌ی ۲۰۱۸ انجام شده است.

۵. یافته‌ها

در کدگذاری باز و محوری جدول زیر که ناظر بر مقولات مرتبط با شرایط علی‌اند، مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در تحقیق مقوله‌های

«منفعت طلبی»، «ناکارآمدی نهادی»، «اجبار فضای اجتماعی»، «تمایز گذاری اجتماعی»، «یادگیری اجتماعی» و «آنومی اجتماعی» بر ساخت شده‌اند.

جدول ۱. کدگذاری باز و محوری - شرایط علی

مفهوم	زیر مقوله	مقوله‌ی محوری
عمل نکردن خانواده به وظایف ذاتی خود، ضعف کارکردی احزاب سیاسی، ضعف در عملکرد نهادهای دینی، ضعف در نهادهای تعلیم و تربیت	-	ناکارآمدی نهادی
انگیزه ارتقاء اداری، امکان ارتقا فرد به لحاظ سیاسی فرهنگی و اقتصادی، تلاش برای رسیدن به منفعت	کسب ارتقاء	منفعت طلبی
دستیابی به مزایای خاص، رسیدن به منافع اقتصادی، رسیدن به مقاصد شخصی، منفعت طلبانه رفتار کردن، کسب ثروت	دریافت پاداش اقتصادی	
حمایت طلبی سیاسی، کسب جاه، جاه طلبی، موفقیت طلبی، دنبال جایگاه سیاسی، منفعت سیاسی، کسب منصب اداری	اهداف سیاسی و اداری	
آینده‌نگری، تضمین آینده، نبود ضمانت برای آینده	کاسب کاری	
مصلحت‌سنجی، بی مسئولیتی، ضرورت احتیاط	مصلحت‌سنجی	
اجتناب از هزینه، هراس بابت از دست دادن امتیازات، کاهش هزینه فعالیت سیاسی	حسابگری	
یکسان‌سازی، پیوند زنی، تحمیل سبک دینداری خاص	همشکلی اجتماعی	اجبار فضای اجتماعی
اجبار اجتماعی، فشار اجتماعی، اجبار پایگاهی	فشار اجتماعی	
کنترل اجتماعی شدید، کنترل و مجازات شدید	کنترل اجتماعی	
مطلوبیت شهروند مطیع، استخدام وفاداران به و حامیان از ...	متابعت	
نابرابری در توزیع فرصتها، فقدان شایسته‌گزینی	-	تمایز گذاری اجتماعی
آموزش در خانواده، یادگیری در اجتماع	یادگیری	یادگیری اجتماعی
تجربه‌ی آموخته، تجربه‌ی اجتماعی شدن	تجربه‌اندوزی	
ناهمخوانی ارزشی، چندگانگی ارزشی، ابهام ارزشی	-	آنومی اجتماعی

در توضیح مقوله‌ی اجبار فضای جامعه باید گفت: از آنجایی که در یک نظام فرهنگی اموری را ارزش اصلی قلمداد، تبلیغ و تلقین نموده و فرض بر توافق جمعی بر سر آن ارزشهاست. مطابق با آن برای یکسان‌سازی جامعه تلاش می‌شود و افراد به نوعی تحت فشار اجتماعی قرار گرفته و شفافیت هزینه‌زا می‌شود، برخی از افراد، رفتاری را از

خود بروز می‌دهند که با خود واقعی آنان از نظر فکری و عقیدتی تطابق ندارد. از سوی دیگر ابتدای ظاهری ساختار اداری بر وفاداری به عقاید خاص و در عین حال استفاده‌ی مدیران از سازوکارهای مریدپرورانه و تابع پرورانه، افراد فاقد التزام راستین و اعتقاد وثیق را به سمت رفتارهای ریاکارانه سوق می‌دهد. چنانچه مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که «وقتی سیستم همه آدمها را با یک خط‌کش ثابت و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دیگر مورد ارزیابی قرار می‌دهد و برای مهندسی کردن جامعه» تلاش می‌کند و یا به نظر دیگری در جامعه محلی «به خاطر حرف مردم هم که شده آدم نمی‌تواند آن طور که می‌خواهد عمل کند». زیرا «بافت قومی و کنترل اجتماعی شدید» است.

از سویی دیگر، به دلیل وجود تمایزگذاری اجتماعی و عدم امکان کامیابی از مسیرهای هنجارین، مفرها و توجیهاتی برای بروز کنشهای ریاورزانه در جامعه وجود دارد که مستلزم نقش بازی کردن است و بنا بر این ریاکاری به‌صرفه‌ترین شیوه در این مسیر است و به نوعی پاسخ به آن حس اجحافی است که افراد را می‌آزارد. چنانکه یک استاد دانشگاه می‌گوید:

زمانی که در جامعه شرایط خاصی را ارزش می‌دانیم و برای دست‌یافتن به آن شرایط، شروط رفتاری خاصی قائل می‌شویم یا افرادی را مستحق آن می‌دانیم که دارای ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی خاصی باشند و افراد با دست‌یابی به آن شرایط، می‌توانند مزایای خاصی را کسب کنند، طبیعی است افراد جامعه برای این که خود را در قالب آن شرایط ارزشمند دیگری ساخته در بیاورند از رفتارهای واقعی خود فاصله می‌گیرند.

عجین شدن مؤلفه‌ی سیاست و قدرت با زندگی روزمره، کنش‌وران را آلوده به کنش ریاکارانه می‌کند و بخشی از کنش‌وری ریاکارانه را بایستی متأثر از امر سیاسی دانست زیرا متضمن ایجاد حاشیه‌ی امن برای چنین کنش‌ورانی است. همچنین، ساختار اجرایی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که کنش غیر ریاکارانه هزینه‌زاست. لذا افراد برای اجتناب از محرومیت از امتیازات مجبورند رفتارهای ریاکارانه داشته باشند. تمایزگذاری و «نابرابری در توزیع فرصت‌های شغلی»، «اولویت دادن به استخدام افراد به ظاهر وفادار به نظام و جریان‌ات سیاسی و اشخاص با نفوذ»، «کم رمقی شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری» در ایران امروز نوعی از تفاوت‌گذاری، متمایزسازی و گتوسازی است که به رواج «کنشهای نمایشی

همسان‌نمایانه» جهت کسب مزایا در نظام اداری خاص‌گرا منجر می‌شود و در ترویج ریاکاری مؤثر است.

پاسخهای بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به نوعی مؤید دیدگاه آنومی اجتماعی است بدین معنا که مواجهه‌ی افراد با وضعیتی حاکی از «تردید و ابهام» در مورد نظام ارزشی و رفتاری و «ابهام در مورد معیار درست رفتاری» و «وجود چندگانگی ارزشی»، ناهم‌خوانی بین فکر و عمل یا اصطلاحاً ریاکاری را در پی دارد. به عنوان مثال؛ از نظر یک پاسخ‌گو «چون بسیاری از افراد در این دوره و زمانه دچار تردید ارزشی شدن و در نتیجه بستری برای ریاکاری فراهم می‌شود». از نظر فردی دیگر «تردید پیدا کردن یا نبود توافق جمعی بر سر ارزشها و هنجارهای انتظام‌بخش زندگی موجب کاهش انسجام اجتماعی و در نتیجه بروز آنومی می‌شود و در شرایط آنومیک ریاکاری هم می‌تونه به عنوان یک کنش کجروانه بروز پیدا کنه و به گمانم در جامعه کنونی چنین رخدادی وقوع یافته است».

همچنین، «ناکارآمدی نهادی» وجود ضعف در نهادهای خانواده و تربیتی یکی از علل گسترش ریاکاری است زیرا هنجارهای جامعه نه بخوبی تبیین می‌شوند و نه بدرستی انتقال می‌یابند. در حوزه احزاب و نهادهای سیاسی و مدنی «دگردیسی سیاسی» و «پرخش حزبی» به کرات مشاهده می‌شود و به نوعی بسیاری از کنشگران سیاسی در «برزخ نقش سیاسی» گرفتارند زیرا آغشته شدن به قدرت، هراس از فقدان منزلت سیاسی را به جولانگاه کنشهای ریاورزانه تبدیل می‌کند.

علاوه بر آن، برخی از پاسخگویان معتقدند که هم فضای زیست شخصی و هم فضای اجتماعی به عنوان فضاهای آموزش این شیوه‌ی رفتاری عمل می‌کنند. اولین تجربه‌های اجتماعی شدن در خانواده و فضاهای ارتباطی نزدیک، الگوهای مرجع در داخل خانواده، مدارس، دانشگاهها و سایر محیطها به عنوان «تجربه‌ی زیسته»، نقش پر رنگی در ایجاد این شیوه‌ی رفتاری دارند و فضای اجتماعی اشباع گشته از ملزومات این نوع کنش‌وری است. منفعت‌طلبی به عنوان کنشی که محصول آن ریاکاری است و به نوعی سبب‌ساز این رفتار است، از جمله مفاهیم پر تکرار در مصاحبه‌ها بوده است. این الگوی رفتاری را می‌توان رفتاری تاجرمنشانه یا کاسب‌کارانه دانست. در برخی از رفتارهای اجتماعی، کنش‌گران منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهند. اینگونه رفتار دارای شقوق و سنخ‌های متعددی است و یکی از انواع آن، رفتار ریاکارانه است.

جدول ۲. کدگذاری باز و محوری - شرایط زمینه‌ای

مفهوم	زیر مقوله	مقوله‌ی محوری
بستر مندی ریاکاری	وجود سابقه استبداد دولتی، وجود سابقه محلی استبداد خوانین	سابقه استبداد
	شرایط تاریخی و سرنوشت تجربه شده، شرایط و زمینه نهادی	وابستگی به مسیر
	شرایط اقتصادی جامعه، شرایط و جو سیاسی، محیط اجتماعی، محیط ناسالم جامعه	شرایط ساختاری
	بافت سستی، وجود زمینه‌های فرهنگی ریاکاری، وجود ضرب‌المثلهای توجیه‌گر ریا، ساختار فرهنگی ریاپرور، فقر فرهنگی	الزامات سستی
	توجیه رفتار افراد ریاکار توسط دیگران، بها دادن به ریاکاران اقتصادی	توجیه کردن
	محبوبیت و اعتماد به ریاکار نزد مردم، مشاهده موفقیت ریاکاران و گرایش به ریا	پذیرش اجتماعی
	زرنگی دانستن، فرصت طلب بودن	زرنگ‌پنداری
	تداوم تاریخی ریاکاری، ریشه تاریخی ریاکاری در سطح فردی، پذیرش فرهنگی	سابقه تاریخی
محافظه‌کاری	با هم کنار آمدن، نادیده‌انگاری دو جانبه	ملاحظه‌کاری
	پرهیز از رنجاندن دیگران، رو در بایستی	عافیت‌طلبی
	توجیه پنهان‌کاری خود، توجیه رفتار پنهان‌کارانه دیگران	پنهان‌کاری
باورداشتهای دینی	ضعف ایمان، ضعف عقیدتی و مذهبی	ضعف عقیدتی
	بینش مذهبی ضعیف، فهم ضعیف از اخلاق و دین	فهم از دین
وجود فقر و فساد و تبعیض، ناامنی اقتصادی، نبود ثبات اقتصادی	-	تنگناهای معیشتی
فقدان اعتماد به خود، عدم شجاعت در بیان نظرات، قضاوت هراسی	-	خود خوارانگاری

بر اساس رویکرد تحلیل نهادی، نقش بازتولید نهادی در ویژگیهای رفتاری مردم اهمیت مضاعفی دارد زیرا بخش عمده‌ای از رفتار جامعه ریشه در سرگذشت نهادهای آن دارد. کدهای استخراج شده از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق در قالب مفاهیمی هم‌چون «شرایط و زمینه‌های نهادی»، «استبدادزدگی تاریخی جامعه‌ی ایران»، «سابقه محلی استبداد دولت و خوانین»، «شرایط تاریخی و سرنوشت تجربه شده»، «طلب شهروند مطیع و وفادار»، «زمینه‌ی فرهنگی موافق ریاکاری»، «موجه‌سازی ریاکاری»، «اجبار به پنهان‌کاری و ترس از بیان واقعیت»، «زرنگی تلقی شدن رفتارهای ریاکارانه»، «ریشه تاریخی ریاکاری در سطح فردی» و نیز «جبرگرایی و قدری‌گری» تا اندازه‌ی زیادی با این مقوله هم‌داستان هستند و به گونه‌ای ناگزیر به کنشهای ریاکارانه مجال بروز می‌داده‌اند. زیرا بنا به

«مقتضیات فرهنگ بومی» و «رو در بایستی داشتن افراد با همدیگر در جوامع محلی»، مردم چشم‌پوشی از ریاکاری را با ارجاع به همین فرهنگ توجیه می‌کنند و نادیده‌انگاری ریاکاری یکی از نتایج آن است که به نوعی پذیرش فرهنگی ریا و محافظه‌کاری را پرورش می‌دهد. **الگوی باورداشتهای دینی** و نقش کارگزاران دینی جامعه و ساختارهای رسمی مورد قبول متولیان دینی و سیاسی جامعه منجر به ترویج نوعی ظاهرگرایی ناشی از فهم سطحی از دین می‌شود که خوشایند برخی از کارگزاران رسمی است. **تنگناهای معیشتی** بدین معنا که زمانی که در یک جامعه دستیابی به برخی از اهداف ارزشمند اجتماعی مستلزم شرایطی است که بخشی از جمعیت فاقد آن هستند، به نوعی با یک فرایند تحریمی سروکار داریم. لذا ریاکاری را می‌توان فرایندی متقلبانانه دانست که بدون اصطکاک با قانون، از ارزش‌های اجتماعی دارای امتیاز به صورتی فریب‌کارانه تغذیه نموده تا بر این‌گونه انسدادهای اجتماعی فائق آمده و بهره‌جوید. یک شکل دیگر از ترفندهای افراد برای برخورداری از موهبت‌های اقتصادی می‌تواند مستضعف‌نمایی باشد.

جدول ۳. کدگذاری باز و محوری - شرایط مداخله‌گر

مفهوم	زیر مقوله	مقوله‌ی محوری
کثرت روابط اجتماعی، کوچکی اندازه شهر	-	گستره‌ی آشنایی
ترس، ترس از حاکمیت، ترس از دست دان شغل	ترس و ناامنی	هراس اجتماعی
عدم شجاعت، ناتوانی در بیان واقعیت	فقدان شجاعت	
تفاوت گفتار و رفتار مدیران، ریاکار پنداشتن مسئولین	ریاکار پنداری مسئولان	گروه مرجع ریاکار
چگالی بالای ریاکاری سرشناسان، تظاهر و ریاکاری افراد مشهور	ریای سرشناسان	
اهمیت دادن به قضاوت‌های دیگران، کسب احترام از دیگری	دیگران مهم	
هزینه بالای شفاف رفتار کردن، نبود شفافیت در امور، عدم شفافیت در عرصه اجتماعی	-	فقدان شفافیت
وجود جو امنیتی، تاثیر سیاست بر امر اجتماعی	-	اجتماع امنیتی شده

سهم و تأثیر شرایط مداخله‌گر در گرایش به ریاکاری را در مفاهیم استخراج شده در جدول فوق می‌توان جست. گستره‌ی آشنایی و روابط بین افراد عمدتاً تحت تأثیر مؤلفه‌های جغرافیای تماس، جمعیت و ... است که به عنوان عوامل دخیل در روابط بین فردی عمل می‌کنند. در جامعه‌ی مورد مطالعه به طور خاص، کوچکی اندازه‌ی شهرها و نیز بافتار اجتماعی، فرهنگی و ساختار خویشاوندی بر گستره و عمق روابط اجتماعی و میزان پیوستگی‌های مردم با همدیگر دلالت دارد که این امر به نوبه‌ی خود منجر به آشنایی و ولو اجمالی افراد از همدیگر می‌شود و از این روی منجر به نوعی از کنترل اجتماعی و حساسیت اجتماعی می‌شود و در مواردی به عاملی دخیل در بروز و تنوع کنش‌های ریاکارانه می‌شود. کنش‌های ریاکارانه‌ی برخی از افراد «از ترس طرد شدن از سوی نظام سیاسی و اداری» و نزد برخی دیگر نیز متأثر از قضاوت‌های رفتاری دارای ریشه در نظام فرهنگی و اجتماعی سستی است که همچنان آبخور برخی از وجوه منزلت اجتماعی انتسابی خاص گرایانه‌ی موجود در زمینه‌ی یاریگریهای اجتماعی و اقتصادی را در رفتارهای خاصی جستجو می‌کند و البته مدرن شدن جامعه و تغییرات در ساختارهای اجتماعی نیز سنخ‌های کنش ریاکارانه‌ی متناسب با وضعیت جدید را نیز به همراه دارد. می‌توان منشاء برخی از سنخ‌های کنش‌ورزیهای ریاورزانه را نوعی هراس اجتماعی دانست. به دلیل سیاسی شدن بسیاری از امور زندگی مردم و اصطلاحاً سیاسی شدن امر اجتماعی و یا اجتماع امنیتی شده در استان به دلایل مرزی و استراتژیک بودن و جغرافیای مرزی آن، بخشی از افراد در مواجهه با امور سیاسی و اجتماعی گاهی مجبور به ریاکاری و چندچهره‌گی هستند.

نقش گروه‌های مرجعی نظیر مسئولین، مشهورین یا دیگران مهم به عنوان عوامل دخیل در بروز کنش‌های ریاکارانه در مواردی از قبیل تلقی ریاکار بودن مسئولین، مشاهده دوگانگی قول و فعل مدیران، شیوع بالای ریای سرشناسان، «اهمیت دادن به قضاوت‌های دیگران» و «کسب احترام از دیگری» نوعی الگو گرفتن از دیگران است که برخی از افراد را به نقش‌بازی کردن مطابق تصور از میل دیگری و می‌دارد که به وجهه‌نظرهای دیگران در مورد خود اهمیت مضاعفی دهند.

جدول ۴. نتایج مراحل کدگذاری باز و محوری - راهبردها و تعاملها

مفهوم	زیر مقوله	مقوله‌ی محوری
اغراق کردن، برجسته‌ساختن، تلاش برای دیده شدن	اغراق	برجسته‌سازی
پنهانکاری، ترجیح پنهان‌کاری	پنهانکاری	پنهان‌کاری
خودسانسوری اهل قلم، رفتار برزخی در عرصه جناحی، دگردیسی سیاسی	رفتار سیاسی پاندولی	
وجیه‌نمایی خویش، فریب	نیرنگ	فریب‌کاری
تظاهر به تولید و ...، تظاهر به هم‌کیش و هم‌دین بودن	تظاهر	
رفتار برزخی، چند سویگی	تلون	
دروغ گفتن، روش دروغ و فریب	دروغ‌گویی	
تملق، چاپلوسی، رفتار تملق‌آمیز و چاپلوسی، تصدیق حرف نادرست مدیران	-	خود شیرینی
سوگند به الگوها و نمادهای مذهبی، توسل به ارزشهای دینی، انجام رفتارهای مذهبی، حضور در مناسبتها و جلوه‌گری درانجام آنها، خود را مذهبی جلوه دادن، تلاش برای متمایز جلوه نمودن در مراسم، ارائه آثار مناسبتی، نمایشی‌شدن کنشهای مذهبی	-	مقدس‌نمایی
محافظه‌کاری، مصلحت‌اندیشی	آبروداری	قصه‌بافی
هم‌رنگ‌جماعت‌شدن	همخوانی با جمع	
هم‌آوایی با صاحبان قدرت سیاسی	تبعیت	
وصل‌شدن به شخصیت‌های سیاسی و مذهبی	حامی‌طلبی	

مفاهیم و مقوله‌های جدول فوق، ناظر بر راهبردها و تعاملات ریاکاران در راستای حل مسئله‌ی ریاکاری برای خویش است؛ نشان می‌دهد که راهبردهای شناسایی شده به قرار زیر بوده‌اند: پنهانکاری بیانگر تفاوت صورت رفتار با باطن و محتوای آن است. در نتیجه؛ آن چیزی که تعاملات را با مخاطره همراه می‌سازد، افراط در پنهان‌کاری و انکار هویت فردی در اجتماع است. زیرا ایجاد فشار افراطی برای تحمیل همشکلی اجتماعی و حفظ غیر منطقی و اجبارآمیز هم‌رنگی اجتماعی باعث شکل‌گیری و تشدید رفتارهایی از سنخ ریاکاری و دروغ‌گویی می‌گردد و افراد برای پیشبرد اهداف خویش و نشان دادن تعهد به اجتماع و ارائه‌ی تصویری اجتماع‌پسند از خویش، با ناراست‌کرداری و پنهان‌شدن پشت ماسک‌های خوش‌منظر، نوعی از زیست دروغین را به نمایش می‌گذارند که نمونه‌ی بارز آن، ریاکاری است.

راهبرد دیگر ریاکاران، خود شیرینی است، تملق و چاپلوسی از شقوق رفتاری مربوط به خود شیرینی‌اند که هدف آن افزودن بر جذابیت خود نزد دیگران است و عمدتاً رفتاری سیاسی و از شقوق خود شیرینی به حساب می‌آیند. مشارکت کنندگان در تحقیق نیز اذعان داشتند که «مدیریت امروز جامعه مشتاقانه پذیرای زبان ریاورزانه، متملقانه و چاپلوسی است» و در «ادارات، پذیرش تملق و ریاکاری امری معمول است». «تصدیق حرف ولو نادرست مدیران» نیز امری رایج و مطلوب مدیران است. بسیاری از ما کمابیش در سازمان محل خدمتمان شاهد رفتارهای ریاکارانه‌ی همکاران خویش در قالب «خود شیرینی» و «تملق و چاپلوسی» نزد فرادستان سازمان بوده‌ایم. این تیپ از ریاکاران را شاید بتوان مریدان - همه‌جایی و هر کسی - نامید یعنی کسانی که بی‌خطرترین جهت را انتخاب می‌کنند، به دنبال قدرت کشیده می‌شوند و به سوی قوی‌ترین قطب گرایش دارند و همیشه به قطب‌های مسلط متصل شده یا پیوند می‌یابند.

برجسته‌سازی اغراق‌آمیز شکلی از راهبردهای ریاکارانه است که در اینجا آن را با مفهوم مانور دادن معرفی می‌کنم. مانور دادن شامل رفتارهایی است که فرد کارهای خود را به شکلی اغراق‌آمیز برجسته می‌سازد و مانور دهندگان افرادی‌اند که برای موقعیت‌های برتر قدرت، مقام و نزدیک شدن به صاحبان قدرتهای بالای جامعه مانور می‌دهند و با استفاده از رفتارهای ریاکارانه و داشتن مهارت‌های علمی یا منابع اقتصادی دارای قدرت لازم برای مانور دادن و دستیابی به موقعیت‌های برتر هستند. از جمله شیوه‌های مورد استفاده آنان، «برجسته کردن کارهای کوچک خود»، «معتقد نشان دادن خود»، «تبلیغاتی رفتار کردن» و تلاش برای دیده شدن را در بر می‌گیرد. فریبکاری شکلی از ریاکاری است که فرد از طریق موجه‌نمایی و «همراهی ظاهری» با هنجارهایی که بدانها اعتقادی ندارد و تظاهر به افعالی که با نظام فکری، منشها و مرام او سازگار نیست، عمل می‌کند. شق دیگری از پنهانکاری، خودنمایی و تظاهر به دینداری با شگرد «فریب عمدی و آگاهانه دیگران» است که متضمن دروغ‌گویی نیز هست. این شگرد در بین کسبه و بازاریان برای «فریب و اغفال» خریداران، معمولاً با نقاب و پوشش مذهبی همراه است. در راهبرد مقدس‌نمایی فریبکارانه برخی از افراد جامعه تلاش دارند تا خود را از طریق رفتارهای مذهبی در سلک یک فرد معتقد و ضابطه‌گرا نزد دیگران نشان دهند و به ایفای نمایشی کنشهای مذهبی جهت مقدس‌نمایی مظاهرانه‌ی مبتنی بر دگر فریبی می‌پردازند. «متمایز نمودن خویش در مراسم مذهبی» راهبرد

شناخته شده‌ی دیگری در حوزه فرهنگ دینی است که عمدتاً از سوی قشرهای خاصی از اهل فرهنگ مشاهده می‌شود.

از نظر آریلی عامل حفظ تصویر اخلاقی خویش در عین ارتکاب بزه و فریبکاری، «قصه‌بافی» است. قصه‌بافی دارای کارکردهای سترون‌سازی و رهایی از درگیری با وجدان است. از لحاظ فرهنگی، ریاکاران با توجیه مصلحت‌اندیشانه‌ی «همرنگی با جماعت» عمل می‌کنند. «هم‌آوایی و هماهنگی با صاحبان قدرت در عرصه سیاست» راهبردی مهم در وانمود کردن همراهی است. قصه‌بافی یک شگرد سترون‌ساز است که مبتنی بر دیگر فریبی آگاهانه است. می‌توان قصه‌بافی را نوعی از زرنگی و تدبیری تلقی کرد که کنش‌گری زبردست آن را برای ممانعت از تفسیر آگاهانه کنشهایش به کار می‌برد تا دیگران را در مورد خویش به اشتباه اندازد و به سوی تفسیرهای نادرست رهنمون شود.

بعد پنجم مدل پارادایمی ناظر بر پیامدهاست و به این موضوع می‌پردازد که ریاکاری چه پیامدهایی را به همراه دارد؟ مطالب بیان شده در مصاحبه‌ها با پاسخگویان در این مورد را در دو دسته‌ی عمده قرار داده‌ایم: الف) پیامدهای فردی همچون «چندپاره‌گی شخصیت»، «خود شکنی»، «فردیت‌زدایی» و «اجتماع‌گریزی».

جدول ۵. کدگذاری باز و محوری - پیامدهای فردی

مقوله‌ی محوری	زیر مقوله	مفهوم
چندپاره‌گی شخصیت	ناامنی روانی	احساس ناامنی روانی
	مشکلات شخصیتی	از هم گسیختگی شخصیت، شخصیت‌زدایی، تزلزل شخصیت، مسخ شخصیت
	معضلات هویت	اضمحلال هویت، عدم بلوغ شناختی و ثبات شخصیتی
خود شکنی	-	تطبیق رفتار خود با دیگران، خود سانسوری، خود سرکوبگری
فردیت‌زدایی	نفی خود	فاصله‌گیری از خود واقعی، کم رنگ شدن فردیت افراد
	همنوایی مفرط	تن دادن به فضاهای دیگران، محدود کردن انتخاب‌های ممکن، هم‌رنگی با جماعت
اجتماع‌گریزی	از خود بیگانگی	از خود بیگانگی، سر در گمی
	بداوری	گسترش بد باوری، بدفهمی
	افسردگی	منزوی شدن، منفعل شدن، نومیدی و سرخوردگی افراد بهنجار
	فقدان اعتماد به نفس	تردید در اعتقادات شخص، تردید در باره خود

ریاکاری برای فرد پیامدهایی نظیر «تزلزل شخصیت» و «شخصیت زدایی» را در پی داشته که تبدیل شدن فرد به یک شخصیت چند چهره و غیر قابل اعتماد از پیامدهای آن است. خودشکنی به معنای «تطبیق رفتار خود با رفتار دیگران» به ویژه با فرادستان در حوزه‌ی اداری و نوعی خود سانسوری است. ریاکاری با نوعی از «خودفریبی» و «خود سرکوبگری» همراه است که «تضعیف استقلال شخصی» را بدنبال دارد. «کم رنگ شدن فردیت افراد» و گرفتار شدن در چرخه‌ی «قضاوت شدن» از سوی دیگران/ «قضاوت کردن» در مورد دیگران یا اصطلاحاً «بها دادن افراطی به ارزش داوربهای دیگران» در هر شرایطی، از تبعات آن خواهد بود که همخوانی افراطی و هم‌رنگی با جمع جایگزین بالندگی و اتکای به خود می‌گردد. یکی از پیامدهای شایع شدن ریاکاری در یک جامعه، اجتماع‌گریزی بهنجاران است. بدین معنا که فرد در یک حالت «سردرگمی» بین اعتقادات خود و ریاکاری به سر می‌برد. «سر خوردگی افراد بهنجار» منجر به «تردید» در اعتقادات می‌شود و تعمیم تردیدهای خویش به جامعه و اجتماع‌گریزی از پیامدهای سطح فردی شیوع گسترده‌ی کنش‌های ریاورزانه و فضای اجتماعی اشباع شده از این سنخ کنش‌وری است. (ب) پیامدهای اجتماعی (جدول ۶) نظیر «اخلاق‌زدایی»، «هنجار شدن ناهنجاری»، «بحران اعتماد»، «شایع شدن دروغ‌گویی»، «فرسایش سرمایه اجتماعی» و «بی‌تفاوتی اجتماعی».

جدول ۶. کدگذاری باز و محوری - پیامدهای اجتماعی

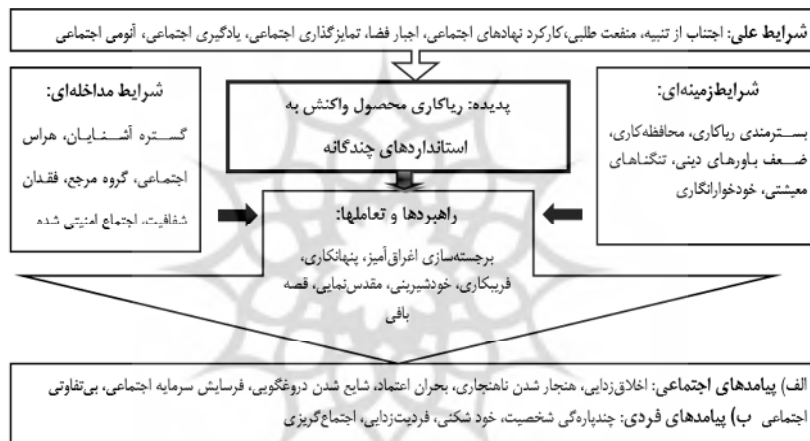
مفهوم	زیر مقوله	مقوله‌ی محوری
اخلاق‌زدایی، اخلاق‌زدایی از جامعه، فروپاشی اخلاقی، سقوط اخلاق و معنویت، بی‌محتواسازی قواعد و برنامه‌ها	فروپاشی اخلاقی	اخلاق‌زدایی
	بی‌محتوا شدن	
هنجار شدن ریا، قباح‌زدایی از ریا مشروعیت‌یابی نمادین، وجاهت‌یابی کاذب بازتولید ریا، عادت کردن به ریا، گسترش نقاب زنی از بین رفتن صداقت در جامعه، زوال صداقت	هنجار شدن ریا	هنجار شدن ناهنجاری
	مشروعیت‌یابی ریا	
	بازتولید ریا	
	بحران صداقت	
بی‌اعتمادی اجتماعی، اعتماد‌زدایی، پیش‌بینی ناپذیری	-	بحران اعتماد
محافظه‌کار شدن جامعه کاهش اعتماد به نفس مردم، عدم اعتماد به نفس	محافظه‌کاری	بی‌تفاوتی اجتماعی
	سرخوردگی	

مفهوم	زیر مقوله	مقوله‌ی محوری
احساس بی معنا شدن مشارکت اجتماعی	بی معنایی	
	بی توجهی به حقوق دیگران	
	بی تفاوت شدن نسبت به مسائل جامعه	
خصلتی شدن دروغ	ساختمند شدن دروغ	شیوع دروغ‌گویی
	دروغ‌گویی عامدانه	
	ترویج دروغ‌گویی در جامعه، ترویج دغل‌کاری، رواج فریبکاری	
تخریب سرمایه اجتماعی، مشارکت نداشتن در امور اجتماعی	-	فرسایش سرمایه اجتماعی

در یک جامعه اشباع شده از ریاکاری، از جامعه اخلاق‌زدایی می‌شود. زیرا ریا موجب بی‌محتوا شدن زندگی از قواعد اخلاقی شده و به نوبه‌ی خود «سقوط اخلاق و معنویت» و ایجاد جامعه‌ی نقابداران غیر قابل پیش‌بینی و بی‌اخلاق را در پی دارد که با میثاقهای شکسته مواجه است. در جامعه‌ای که چگالی ریا بالاست، ریا تبدیل به هنجار می‌گردد، زیست جهان برای بهنجاران ناامن شده و هنجار شدن ناهنجاری - بی‌صدقاتی منجر به قباح‌زدایی از ریا می‌شود. آنگاه که اینگونه رفتار، با تفسیحی مواجه نشود، مشروعیت‌یابی نمادین ریاکاری و اپیدمیک و فراگیر شدن کنشهای ریاکارانه را به ارمغان آورده و ساختار جامعه و نهادهای اجتماعی آن خدمت‌رسان بازتولید و گسترش نقاب‌زنی می‌شود. هنجاری شدن و عادی‌شدن ریاکاری مستلزم فریب آگاهانه‌ی دیگران و دروغ‌گویی عامدانه است و از این روی ریاکاری همزاد و همراه چندین خلیقات ناراست‌کردارانه است. یکی از اثرگذارترین عوامل در تحکیم یا تخریب روابط اجتماعی، اعتماد بین فردی است که بر نوعی از اطمینان و انتظار مثبت از دیگران نزدیک و مرتبط اتکا دارد اما همواره همزادش بیم و مخاطره است زیرا به صورت بالقوه در معرض خطر مخدوش‌شدگی و سلب‌شوندگی قرار دارد. رفتار ریاکارانه و در اصطلاح جامعه‌شناختی «ایفای نقش نمایشی در روابط با دیگران»، هنگامی که افشا می‌شود، ترمیم آن امکان‌پذیر نیست یا با دشواری مواجه خواهد بود. جلوه‌ی دیگری از بی‌اعتمادی که احتمالاً ریشه در اعتماد بنیادی نیز داشته باشد، بی‌اعتمادی به خویش یا عدم اعتماد به نفس است و چنانکه در مطالب بیان شده توسط مشارکت‌کنندگان در تحقیق نیز به کرات به عنوان نمونه‌هایی از پیامدهای فردی ریاکاری

واکاری دلایل رواج کنش‌های ... (علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی) ۱۰۱

بدان‌ها اشاره شده و در مقوله‌هایی نظیر «خود خوارانگاری»، «خودشکنی» و نیز «ارزش داوری دیگران مهم» آنها را مفهوم‌سازی نموده‌ایم؛ فرد از سویی با احساس تحقیرشدگی و پنداشتی خودخوارانگارانه از خویش با تمسک به رفتارهای متصورش از رفتارهای دیگران مهم و ایفای نمایشی آن برای دست یافتن به داوری تأییدآمیز آنان از سویی دیگر تلاش می‌کند و تلاشش در این راستا عمدتاً مشحون از ریاکاری است. یک نتیجه دیگر ریاکاری بی‌تفاوت شدن بسیاری از افراد نسبت به مسائل جامعه است چون ریاکاری و پاداش‌دهی به رفتار ریاکارانه سبب تضییع حقوق و بی‌توجهی به دیگران می‌شود.



شکل ۲. مدل پارادایمی پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۶. بحث و نتیجه‌گیری

زمانی که از ریاکاری صحبت می‌شود منظور این است که برخی از انسان‌ها در کنش‌های روزمره‌شان به صورت غیر واقعی رفتار می‌کنند و چهره‌ای را از خود نشان می‌دهند که غیر واقعی است و به دلیل اینکه نقابی بر صورت نهاده‌اند که دقیقاً بازتاب‌دهنده رفتارهای اصیل و اندیشه‌های واقعی آنان نیست و متضمن دورویی و حامل فریب است. لذا در تحلیل هر گونه کنش ریاکارانه باید به دلایل ذهنی و شرایط عینی و زمینه‌هایی که آن کنش

در بستر آن رخ می‌دهد نیز توجه نمود. ریاکاری غالباً سه گونه‌ی تخطی را شامل می‌شود: یکی تخطی از استانداردهای هنجارین جامعه است و دیگری تخطی از استانداردهای بیان‌شده توسط خود شخص و همچنین می‌تواند شامل تخطی از هر دوی این استانداردها به‌طور همزمان باشد. در این مطالعه که مبتنی بر مصاحبه با مطلعین کلیدی و بنا به تجربه‌ی زیسته آنان در جامعه‌ی مورد مطالعه و برداشتها و نقطه نظرهای آنان است، بدیهی است که بر شق اول چنین استانداردشکنی و تخطی‌هایی بیشتر تمرکز داشته است. شواهد و دلایلی که توسط مشارکت‌کنندگان روایت شده است مدعاهایی است مبنی بر اینکه فساد سیاست‌مداران و انبوه مسائل پنهان و آشکار افشا شده در رسانه‌ها و ... پیرامون رفتارهای حاکی از ریاکاری خاندانهای حکومتگر، نمایندگان و افراد قدرتمند و با نفوذ، موجب احساس فتور در سامان اخلاقی جامعه شده و باورهایشان را به تباهی می‌کشاند. این نتیجه و تصور از دلایل و شرایط دخیل در ریاکاری با این دیدگاه رانسیمن (۲۰۰۸) هم‌خوان است که می‌گوید: گزارشات مکرر روزنامه‌ها در مورد مقامات حکومتی ناظر بر ریاکاری آنان است زیرا بر خلاف ابراز نظر آشکار آنان و تقبیح و محکوم نمودن اسراف بودجه‌ی دولتی و سرمایه‌های عمومی از سرمایه‌ی عمومی در جهت منافع خصوصی خودشان بهره‌برداری می‌کنند. این الگوی رفتاری، اشعار می‌دارد که ریاکاری صفت بارز سیاست‌مداران و حاکی از وجود استانداردهای دوگانه رفتاری آنان است. همچنین نتایج این تحقیق با مقوله‌های مطرح شده در پژوهشهای زیر همخوان است: با جوئرینگ و همکاران (۲۰۲۱) در مورد ریاکاری ناشی از تحمیل اخلاق سنتی بر نهادهای مدرن؛ با یاغی و همکاران (۲۰۲۱) در زمینه‌ی شخصیت غیر صادقانه‌ی ریاکاران؛ با کیلیچ اوغلو و همکاران (۲۰۱۹) در زمینه‌ی عدم اعتماد، محیط پرتنش و توسعه فرهنگ ناسالم؛ با دانگ و همکاران (۲۰۱۹) در زمینه‌ی ریاکاری اخلاقی؛ با چو و همکاران (۲۰۱۵) در زمینه‌ی راهبردهای پنهان‌کاری؛ با معیدفر و صفری (۱۳۹۶) در زمینه‌ی شیوع ریاکاری در سطوح گوناگون و نیز نقش منفعت‌طلبی در بروز کنشهای ریاکارانه؛ با هادوی‌نژاد و بهارلویی (۱۳۹۴) در زمینه‌ی زوال اعتماد بین فردی؛ با علاوامله (۲۰۱۳) در زمینه‌ی گستردگی و فسادزا بودن ریاکاری؛ با کتبی (۱۳۷۷) در زمینه‌ی ارتباط دروغ در روابط اجتماعی با تزلزل، فقر اخلاقی و ریاکاری هم‌خوان و همراستاست. به طور کلی یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که: کنش ریاکارانه عمدتاً وابسته به موقعیت است بدین معنا که فرد در ارتباطات بین فردی در دو موقعیت ارتباطی مختلف دارای دو گونه‌ی رفتار است که حداقل یکی یا هر دوی آنها، موضع و

نگرش واقعی او را بازتاب نمی‌دهند. کنشهای ریاکارانه عمدتاً مشحون از و معطوف به نفوذ و کسب وجاهت و قدرت نزد دیگران است. از این روی می‌توان گفت که هم دارای سویی افقی و هم سویی عمودی است. از لحاظ عمودی، کنش ریاکارانه معطوف به خود شیرینی نزد فرادستان و کسب نفوذ و منزلت نزد فرودستان است. از لحاظ افقی کنش ریاکارانه معطوف به کسب نفوذ و وجاهت در روابط بین فردی است. به طور کلی کنش ریاکارانه، آشکارا و به طور هدفمند در همه‌ی سویی‌های ارتباطی قابل مشاهده و ردیابی است و از همین روی دارای پیامدهای مخدوش‌کننده و مخرب در روابط اجتماعی است. در عرصه‌ی سیاست و دیوانسالاری دولتی نوعی از ریاکاری اخلاقی قابل تشخیص است که حاکی از موقعیتی است که در آن قدرتمندان از زیر پا گذاشتن قواعد و موازین قانونی تعیین شده توسط خودشان ابایی ندارند اما از دیگران انتظار انجام آن‌ها را دارند و در صورت مشاهده‌ی عدم رعایت آن‌ها از جانب بی‌قدرتان، آنان را مورد شماتت قرار می‌دهند ولیکن از نقض آن‌ها توسط قدرتمندان چشم‌پوشی می‌کنند. بعلاوه، ظاهرگرایی و اصالت دادن به کلیشه‌های رفتاری مورد پسند مدیریت سیاسی شکل دیگری از ریاکاری را ترویج می‌کند. مثلاً «وقتی متقاضیان کار و ارباب رجوع متوجه اهمیت ظواهر برای مدیران می‌شوند، با زیرکی ظاهر خود را با میل آنان مطابقت داده و به مدد دو شخصیت پنهان و آشکار از سد نظارت مدیران می‌گذرند» (زرهانی، ۱۳۸۴: ۲۱۳). همچنین می‌توان گفت در حوزه‌ی رفتارهای دینی نیز این آسیب وجود ریاکاری را موجب می‌گردد. بدین معنا که از یک سو، ضعف باورداشتهای مذهبی منجر به ترویج نوعی از شکل‌گرایی ناشی از فهم سطحی از دین می‌شود که خوشایند برخی از کارگزاران دین است و از سویی دیگر، دخالت بیش از اندازه‌ی دولتها در بازار دین به شکلی تاریخی، اختلال در عرضه و تقاضای معمول دین را در پی داشته است و از این روی تشخیص دینداری خالصانه از دینداری قدرت‌مدارانه و کاسب‌منشانه دشوار می‌گردد زیرا تحمیل سبک خاصی از دینداری و رسمیت دادن به نمود خاصی از دین ورزی، گسترش دهنده‌ی بازار ریاکاری است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، به عقیده‌ی نهادگرایان، تجارب زیسته‌ی افراد متأثر از محیط نهادی، سرنوشت نهادهای جامعه و زمینه‌های تاریخی آن است و از همین روی است که نظریه‌پردازان نهادگرا، بسیاری از رفتارهای اجتماعی و سنن فرهنگی جوامع را بر اساس الگوهای نهادی و سیر تاریخی نهادهای آن جامعه و در قالب مفاهیمی هم‌چون وابستگی به مسیر، منطق اقتضایی و پارادایم انطباق تحلیل می‌کنند. بر اساس

مفروضات این رهیافت، رفتار مردم تحت تأثیر محیط نهادی است و ارزشها، هنجارها و شیوه‌های عملکرد آنان ریشه در ترتیبات نهادی آن جامعه دارد و مردم عمدتاً با تمسک به فرهنگ در صدد انطباق با محیط نهادی هستند. فلذا سیر تحولات نهادهای اجتماعی در ایران در طول تاریخ و سرنوشت گذشته و وضعیت کنونی آنها به تحلیل پدیده‌ی موردبررسی - ریاکاری - کمک می‌کند.

لذا در تحلیل نهایی می‌توان گفت که در سطح ساختار کلان اجتماعی، ناامنی ناشی از ایلغارهای محلی، ظلم و استبداد حکومت‌های استبدادی و حاکمان محلی، هجوم مکرر مهاجمان خارجی و تسخیر چند باره این سرزمین توسط اقوام و دولتهای استعماری و نیز تنگناهای معیشتی ناشی از وضعیت خاص جغرافیایی ایران، در طول تاریخ از یک سو و فرآیند باز تولید نهادی یا بستمندی ریاکاری در سطح ساختارهای کلان اجتماعی از سوی دیگر، در گستره‌ای تاریخی موجب شروع فرایندی می‌شدند که طی آن به دلیل طلب شکل‌گرایی متابعت‌گرایانه و یکسان‌سازی رفتاری افراد از جانب نظام سیاسی و فرهنگی و عدم امکان تطابق‌یابی همگان با معیارهای هم‌شکل‌گرایانه، تمایزگذاری اجتماعی بین شهروندان وجود داشته است و پیامد چنین فرایندی قطبی‌شدن برهم‌کنشها و هم‌گشتی اجتماعی (تیپ‌مند شدن) کنشگران است که افراد به دلیل بها دادن به ارزش دآوری دیگران و نیز ارزیابی موقعیت خویش، با این موضوع مواجهه نموده و نتیجه‌ی آن در قالب دآوری‌هایی نظیر: خود خوار انگاری، احساس اجحاف، احساس خویش زرنگ‌پنداری و نیز تیپ‌های رفتاری محافظه‌کاری و منفعت‌طلبی در بین برخی کنشگران و پایبندی به موازین اخلاقی، ارزشها و هنجارهای اجتماعی در بین برخی دیگر بازتاب می‌یابد. قطبی‌شدگی بر هم‌کنشی و هم‌گشتی اجتماعی منجر به تبیهای رفتاری موصوف می‌شود، لذا نتیجه‌ی پایش (monitoring) خود منجر به واکنش به استانداردهای چندگانه‌ی حاکم بر جامعه می‌شود. در فرایند این واکنش، دو گونه‌ی غالب از کنشها یا راهبردها مشهود است: یکی از آنها، مقاومت در برابر وسوسه‌های ریاکاری است در حالی که در مقابل؛ طیفی از کنشها شکل می‌گیرند که در بر گیرنده‌ی کنشهایی نظیر پنهانکاری، فریبکاری، خودشیرینی، مقدس‌نمایی، برجسته‌سازی و قصه‌باقی است که عمدتاً شقوق کنشهای ریاکارانه هستند. هم‌راستا با این نتیجه‌گیری می‌توان به یافته‌های ویلیام بی‌من اشاره نمود. بی‌من بر آن است که وجود پنهانکاری در روابط اجتماعی، علت استفاده آنان از صنعت کنایه است و شفافیت لازم در تبادلات زبانی و تعاملات اجتماعی‌شان ندارند و لذا هر کسی می‌تواند تقصیر خود

واکاوی دلایل رواج کنش‌های ... (علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی) ۱۰۵

را بر گردن دیگران بیندازد و این را نوعی زرنگی ب‌پندارند (بی‌من، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۴). هم‌چنین، رمزی بودن زبان ایرانیان مانع شفافیت گفتگو می‌شود و افراد را در مکالمات به‌سوی استفاده از کنایه سوق داده و معنای اصلی پیام را پنهان می‌سازد. به‌طور کلی، بی‌من نشان می‌دهد که ساختارهای اجتماعی و فرهنگ در الگوهای کنش متقابل بازتولید می‌شوند. لذا با اتکا بر شرایط تاریخی ایران، می‌توان ادعا نمود که رویش و بازتولید ریاکاری در چنین بسترهای نهادی و فرهنگی‌ای قابل رصد و تحلیل است.

کتاب‌نامه

- آقامحسینی، وحید (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی فرهنگی ریا. دومین همایش بین‌المللی مدیریت رسانه، تهران. <https://civilica.com/doc/439771>
- اشگرف، رضا و امیری، علی‌نقی (۱۳۹۷). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر بروز رفتارهای ریاکارانه در شرکتهای دولتی ایران و ارائه راهکارهای مبتنی بر متون اسلامی: موردکاوی شرکت پالایش گاز پارسیان. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۶(۲)، ۳۰۵-۳۲۵.
- بوسلیکی، حسن (۱۳۹۸). معرفی و نقد کتاب: پشت پرده ریاکاری. مجله اخلاق، ۹(۳۴)، ۱۵۳-۱۲۵.
- بی‌من، ویلیام (۱۳۸۶). زبان، منزلت و قدرت در ایران. ترجمه رضا مقدم کیا، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ترنر، جانانان اچ. (۱۳۹۷). اصول نظری جامعه‌شناسی. ترجمه عادل ابراهیمی لویه، سلیمان میرزایی راجعونی و نازیلا عابدیان شهرکی، تهران، نشر لویه.
- جمال‌زاده، سید محمد علی (۱۳۴۳). خلیقات ما ایرانیان. تهران، مجله مسائل ایران، شماره چهارم.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. راهبرد فرهنگ، ۳(۱)، ۳۳-۶۴.
- ذکایی، محمدمسعود (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۹(۱۷)، ۶۹-۴۱.
- زرهانی، سیداحمد (۱۳۸۴). چالشهای امروز جامعه ما. سیری در آفات انقلاب اسلامی ایران، تهران، دانش و اندیشه معاصر.

- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۹). پیمایش ملی سنجش دینداری ایرانیان. تهران، جهاد دانشگاهی، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۹۲). تاریخ پژوهی در آسیب‌شناسی اخلاقی ایرانی‌ها. تهران، دات. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). ما ایرانیان؛ زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی. تهران، نشر نی، ویراست دوم.
- کتبی، مرتضی (۱۳۷۷). جایگاه دروغ و الگوهای رفتاری آن در روابط اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، ۱۲، ۱۵۶-۱۳۷.
- کلن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- معدفر، سعید و صفری، فاطمه (۱۳۹۶). تعارضات هنجاری منجر به ریاکاری در سینما. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۹ (۱)، ۱۴۲-۱۲۱.
- نراقی، حسن (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خودمانی. تهران، نشر اختران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان. موج اول، دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان. موج دوم، دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵). یافته‌های پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان. موج سوم (۱۳۹۴)، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت کشور (۱۳۹۴). وضعیت مسائل و آسیبهای اجتماعی کشور. تهران، مرکز ملی رصد اجتماعی کشور.
- هادوی‌نژاد، مصطفی و بهارلویی، الهه (۱۳۹۴). رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان. مجله مدیریت دولتی، (۷) ۲، ۴۱۲-۳۹۳.

- Alawamleh, H. S. (2013). The Impact of the Administrative Hypocrisy on the Career Path from the Perspective of the Administrative Staff at Al-Balqa Applied University. *International Journal of Business and Social Science*, 4 (11), 120- 132.
- Battacherjee, A. (2012). *Social Science Research: principles, methods, and practices*. USF Tampa Bay Open Access Textbooks Collection.
- Bar, S. (2004). *Iran: cultural values, self images and negotiation behavior*, Institute for Policy and Strategy. The Interdisciplinary Center Herzilia.

- Cho, C. H., Laine, M., Roberts, R. W. & Rodrigue, M. (2015). Organized hypocrisy, organizational façades, and sustainability reporting. *Accounting, Organizations and Society*, 40, 78-94.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational research: planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. Pearson Education, Inc.
- Dong, M., van Prooijen J. W. & van Lange, P. A. M. (2019). Self-enhancement in moral hypocrisy: Moral superiority and moral identity are about better appearances. *PLoS ONE*, 14(7), 1-17.
- Effron, D. A., Markus, H. R., Jackman, L. M., Muramoto, Y. & Muluk. H. (2018). Hypocrisy and culture: failing to practice what you preach receives harsher interpersonal reactions in independent (vs. interdependent) cultures. *Journal of Experimental Social Psychology*, 76, 371-384.
- Jauernig, J., Uhl, M. & Valentinov, V. (2021). The ethics of corporate hypocrisy: An experimental approach. *Futures*, 131(2021), 1-13.
- KılıÇoğlu, G., KılıÇoğlu, D. Y. and Fletcher, L. H. (2020). Leading Turkish schools: A study of the causes and consequences of organisational hypocrisy. *Educational Management Administration & Leadership*, 48(4), 745-761.
- Merton, R. K. (1968). *Social theory and social structure*. New York: The Free Press.
- Messner, S.F. & Rosenfeld, R. (2004). Institutionalizing, criminological theory. In: Mc Cord, Joan (2004): *Beyond Empiricism: Institutions and Intentions in the Study of Crime*, Transaction Publishers, New Brunswick, New Jersey.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge, MA.
- Royce, E. (2015). *Classical Social Theory and Modern Society*. Rowman & Littlefield.
- Runciman, David. (2008). *Political hypocrisy: the mask of power, from Hobbes to Orwell and beyond*. Princeton University Press.
- Stolley, K. S. (2005). *The Basics of Sociology*. Greenwood Publishing Group, Inc.
- Wareham, J. J. (2005). *Strain, personality traits, and deviance among adolescents: Moderating factors*. Graduate Theses and Dissertations, University of South Florida.
- Yaghi A. and Yaghi M. (2021). Evaluating Organizational Hypocrisy within Universities as Toxic Leadership Behavior. *Public Integrity*, 23, (4), 385 – 400.